

یادداشت

درس‌های تاریخی برای احیای نقش ایران در راه جدید ابریشم

در حقیقت، هر منطقه در مسیر در خلق ارزش افزوده نقشی ایفا می‌کرد و تنها بازرگان نبود بلکه در ثبات، رونق و امنیت آن نیز می‌کوشیده است. ۵. اهمیت امنیت، تقاضا و فناوری: رونق جاده ابریشم همواره تحت تأثیر دو عامل اصلی بوده است:

- امنیت مسیرها (که وابسته به قدرت دولت‌ها و امپراتوری‌ها بود)

تقاضا و توان اقتصادی و قدرت فناوری مبدا و مقصد و مراکز مبادله. راه‌های ابریشم همچون رودخانه‌ای که راه خود را در دامن طبیعت باز می‌کند، هرگاه ناامنی با ضعف اقتصادی و افول فناوری در بخشی از مسیر به‌وجود می‌آمده مسیر خود را همواره در جست‌وجوی حیات تغییر می‌داده است.

جایگاه ایران در تاریخ جاده ابریشم

ایران به‌دلیل موقعیت تاریخی و جایگاه جغرافیایی منحصربه‌فرد خود، همواره در قلب جاده ابریشم قرار داشته است. فلات ایران نقطه اتصال شرق و غرب، شمال و جنوب بود. بسیاری از شهرهای ایران – از نیشابور و ری تا همدان و تبریز – ایستگاه‌های مهمی در این شبکه گسترده بودند. نقش ایران تنها به تجارت محدود نبود. در طول تاریخ (اشکانیان، ساسانیان و ایلخانی) تأمین امنیت و زیرساخت‌های این مسیر نقش مهمی ایفا کردند. ایرانیان در حوزه‌های فرهنگی، علمی و هنری سهم چشمگیری در غنای جاده ابریشم داشتند. ترجمه آثار یونانی به فارسی و سپس انتقال آن به جهان اسلام و بعدها اروپا، نمونه‌ای از این تأثیرگذاری است. همچنین صنایع دستنی ایرانی مانند فرش، چینی‌الات، ابریشم، سفال و فلزکاری از کالاهای پرطرفدار در این مسیر بودند. نکته مهم‌تر آنکه ایرانیان در فراوری و ارزش‌افزایی بر کالاهایی که از مسیر می‌گذشتند تأثیر بسزایی داشتند.

❖ **ابتکار، یک کمربند، یک راه، بازار با تاریخی آن**

چین در سال ۲۰۱۳ با طرح ابتکار «یک کمربند – یک راه» تلاش کرد تا احیای مدرن جاده ابریشم را در قالب یک پروژه جهانی پیگیری کند. این طرح شامل دو بخش اصلی است:

- کمربند اقتصادی جاده ابریشم (مسیر زمینی)
- جاده ابریشم دریایی قرن ۲۱ (مسیر دریایی)

هدف این ابتکار، ایجاد شبکه‌ای از همکاری‌های اقتصادی، زیرساختی و فرهنگی میان آسیا، اروپا و آفریقااست. با وجود شباهت‌ها، باید توجه داشت که BRI نسخه مدرن جاده ابریشم است و تفاوت‌های زیادی با نمونه تاریخی دارد. در این نسخه، نقش دولت‌ها، سرمایه‌گذاری‌های عظیم، فناوری‌های نوین و نظام مالی جهانی اهمیت ویژه‌ای پیدا کرده است.

درس‌هایی برای ایران از بازنگری تاریخ جاده ابریشم

ایران برای آنکه در ابتکار «یک کمربند – یک راه» جایگاهی فعال و مؤثر داشته باشد، می‌تواند از تجربه‌های تاریخی جاده ابریشم درس‌های مهمی بگیرد:

- تقویت امنیت و ثبات داخلی: همان‌طور‌که تاریخ نشان داده، امنیت شاهراه‌ها شرط نخست رونق آنهاست. ایران باید ثبات سیاسی، امنیت مرزی و شبکه‌های ارتباطی امن خود را به‌گونه‌ای تقویت کند که سرمایه‌گذاران و شرکای خارجی، ایران را به‌عنوان مسیری مطمئن ببینند.
- نگاه فراتر از تجارت: ایران نباید صرفاً به‌عنوان گذرگاه کالا در BRI دیده شود. همان‌طور‌که در گذشت با خلق ارزش افزوده در صنایع دستی و علمی نقش‌آفرینی می‌کرد، امروز نیز می‌تواند با ایجاد مراکز لجستیکی، صنعتی و فناوریانه بخشی از زنجیره تولید جهانی شود.

- بهره‌گیری از تنوع مسیرها: با توجه به تحولات ژئوپلیتیکی، مسیرهای جاده‌های ابریشم مدام تغییر می‌کردند. ایران نیز باید از این تجربه بیاموزد، از فرصت‌های ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک منطقه‌ای حداکثر استفاده را کرده و خود را به‌عنوان مسیر جایگزین و متنوع در برابر دگر رقبا و مسیرهای منطقه‌ای معرفی کند.
- توجه به ثباتول فرهنگ: جاده ابریشم تنها مسیر تجارت کالا نبود، بلکه بستری برای تعامل فرهنگی و تمدنی بود. ایران می‌تواند از ظرفیت فرهنگی و تاریخی خود – از زبان و ادبیات تا گردشگری و میراث جهانی – به‌عنوان سرمایه‌ای نرم در این ابتکار بهره‌گیرد.
- سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های مدرن: ثبات و امنیت منطقه‌ای پیش شرط هرگونه تعامل با مسیر راه ابریشم است. امروزه خطوط ریلی پرسرعت، بنادر مدرن و کریدورهای هوشمند اصلی‌ترین چارده‌های جایگزین شده‌اند. ایران باید زیرساخت‌های خود را به‌روز کند تا بتواند نقشی پایدار در این پروژه ایفا کند.
- سیاست خارجی متوازن: جاده ابریشم تاریخی زمانی شکوفا بود که ایران با کشورهای مختلف روابط متوازن داشت. امروز نیز ایران باید از سیاست خارجی چندجانبه‌گرا استفاده کند تا نه‌تنها به چین، بلکه به اروپا، روسیه، آسیای میانه و کشورهای عربی متصل شود.

نتیجه‌گیری

جاده ابریشم تاریخی به ما می‌آموزد که مسیرهای تجاری و فرهنگی تنها زمانی پایدار می‌مانند که همه بازیگران آن نقش فعال داشته باشند. ایران، با پیشینه تاریخی و موقعیت ژئوپلیتیکی خود، می‌تواند دوباره در مرکز این تحولات قرار گیرد؛ به شرطی که با نگاهی استراتژیک، تجربه‌های گذشته را به‌خوبی در سیاست‌های امروز خود به‌کار گیرد. احیای مدرن جاده ابریشم فرصتی استثنایی برای ایران است تا نه‌تنها در عرصه تجارت، بلکه در حوزه‌های فرهنگی، علمی، اقتصادی نیز جایگاه شایسته‌ای بیابد. بازخوانی تاریخ به ما نشان می‌دهد که ایران زمانی بیشترین سود را از جاده ابریشم برد که فراتر از یک گذرگاه، به خالق ارزش افزوده و فرهنگ بدل شد. راهی را از ایده استقلال از طریق قطع ارتباط با محیط پیرامون، جای خود را به نیازمندکردن دیگران به تولیدات ایران در تعاملات و رقابت بازار داده است.

اسنپ‌یک؛ «راه» مجلس و «راه‌حل» دولت

۶- با بازگشت به قطع‌نامه‌های پیش از برجام که برنامه هسته‌ای ایران را به صورت ضمنی یا صریح «تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی» اعلام کرده‌اند، دشمنان توجیه لازم برای مقدمه‌چینی برای تحریک نظامی خواهند داشت. مسئله فقط این نیست که دنیا جای زور است، بلکه مسئله این است که دنیا جای «بی‌عدالتی زورمدارانه» است. در چنین هنگامه‌ای دشمن در پی است تا تو بی‌تاب از خروش و خشم شوی، به تیغ انتحار زنی و به وهم و اضطراب «راه پریشان» را با «راه‌حل حکیمان» در هم آمیزی.

هديه‌ای از جنس نقد(۶)

- امنیت یک مقوله اجتماعی است. باید عناصر تأمین‌کننده امنیت، خود مردم باشند. نمونه آن در دولتی که شما هستید در بلوچستان و کردستان دیده می‌شود. به خواسته‌های مردم توجه شد، امنیت هم همراهش آمد. در این مورد، وزارت اطلاعات و هماهنگی‌هایی که با کل دولت داشت، این توفیق را آفرید.
- همراهی و همدلی متقابل وزارت با اطلاعات سپاه خیلی از مشکلات را کم کرد. کمربند و تقابل بین نیروهای اطلاعاتی، امنیت را از بین می‌برد.
- وزارت اطلاعات از افسار مختلف مردم باید به‌عنوان حامی خود ببینند. چه مردم عادی، چه کارمندان و به‌خصوص فعالان اقتصادی که همواره در مقابل خود هیولاهای مافیایی دارند، باید ببینند که وزارت کمک‌کار آنهاست.
- ریشه همه بی‌اعتمادی‌های مردمی، فساد اقتصادی مسئولان است. همه دستگاه‌ها و به‌خصوص اطلاعاتی‌ها باید این مبارزه را به نحوی مستمر انجام دهند که کسی به فساد فکر نکند.
- درست است که وظیفه شما دفع حداقلی است، اما وظیفه بزرگ‌تر شما جذب حداکثری است که متولی ندارد.
- در مقابله با دشمن صهیونیست و آمریکا، امید که سربلند بیرون بیایید.



«شرق» مسیر پیش‌روی تهران و غرب پیش از بازگشت قطع‌نامه‌های شش‌گانه را واکاوی می‌کند

شمارش معکوس سیاسی

بخشی از فعالیت‌های آن تحت نظارت آژانس بوده، اما توسعه سانتریفیوژهای نسل جدید موجب شده غربی‌ها بر تعطیلی یا محدودسازی آن پافشاری کنند.
آینه‌پور در تحلیل خود به این واقعیت اشاره می‌کند که اگر غرب بخواهد همچنان بر «غنی‌سازی صفر» یا تعطیلی کامل این دو مرکز اصرار ورزد، مذاکرات عملا به بن‌بست خواهد رسید. او پیشنهاد می‌دهد که به‌جای تمرکز بر حذف کامل، باید روی «شفافیت بی‌سابقه» سرمایه‌گذاری شود؛ یعنی دسترسی دائمی و بدون محدودیت بازرسان آژانس، نصب دوربین‌های آنلاین، ثبت و گزارش روزانه ذخایر و حتی حضور دائمی تیم‌های فنی بین‌المللی در سایت‌های حساس. چنین سازوکاری می‌تواند به غرب اطمینان دهد که هرگونه انحراف به سمت اهداف نظامی به‌سرعت شناسایی خواهد شد.

از سوی دیگر، ایران نیز استدلال می‌کند که حق غنی‌سازی در ماده چهارم NPT به رسمیت شناخته شده و محروم‌سازی کامل، نقض آشکار این حق است. تهران طی دو دهه گذشته هزینه‌های سیاسی، اقتصادی و حتی امنیتی سنگینی پرداخته تا این توان را تثبیت کند؛ بنابراین پذیرش توافقی که در آن هیچ سطحی از غنی‌سازی باقی نماند، برای هیچ دولت ایرانی قابل فداغ نخواهد بود. به همین دلیل، پیشنهاد آینه‌پور برای یک سطح محدود که در عین حال نظارت‌های گسترده‌تری بر آن اعمال شود، می‌تواند نقطه‌ای واقع‌بینانه برای شروع مذاکرات باشد.

در نهایت، چالش اصلی اینجااست؛ غرب به دنبال تضمین است که ایران هرگز به سمت سلاح هسته‌ای نرود و ایران به دنبال تضمین است که توان هسته‌ای غیرنظامی‌اش به‌عنوان حق مشروع باقی بماند. اگر این دو گزاره نتوانند در قالب یک «برنامه محدود اما شفاف» به هم برسند، مسیر دیپلماسی باز خواهد ماند. اما اگر همچنان بر «وئای غنی‌سازی صفر» یا «مقاومت بی‌قیدوشرط بر حق نامحدود غنی‌سازی» اصرار شود، هیچ توافقی پایدار نخواهد بود.

مکانیسم ماشه؛ بازی ۳۰ روزه مرگ وزندگی دیپلماسی

وقتی سه کشور اروپایی تصمیم گرفتند مکانیسم ماشه را فعال کنند، بسیاری این اقدام را آخرین تیر ترکش دیپلماسی تلقی کردند. در متن برجام، این مکانیسم به‌عنوان سازوکاری طراحی شده بود تا در صورت نقض جدی تعهدات، امکان بازگشت سریع تحریم‌های شورای امنیت فراهم شود. در ظاهر، این ابزار برای جلوگیری از بازی وقت‌کشی و تضمین اجرای توافق ایجاد شد، اما اکنون همان مکانیسم به شمشیری دوحله تبدیل شده که می‌تواند به مرگ کامل برجام بینجامد.

طبق قطع‌نامه ۲۲۳۱، روند به این صورت است؛ اگر یکی از طرف‌ها مدعی نقض جدی توافق شود و موضوع در کمیسیون مشترک عدم شفافیت تهران به شورای امنیت ارجاع داده می‌شود. از آن لحظه، شورای امنیت تنها ۳۰ روز فرصت دارد تا قطع‌نامه‌ای برای ادامه رفع تحریم‌ها تصویب کند. اما نکته کلیدی اینجااست که هر عضو دائم شورای امنیت می‌تواند چنین قطع‌نامه‌ای را وتو کند. در عمل، به محض فعال‌شدن مکانیسم ماشه، تحریم‌های سازمان ملل به‌طور خودکار بازمی‌گردند، مگر اینکه روسیه و چین با آمریکا و اروپا همراهی کنند و برای ادامه تعلیق تحریم‌ها رای دهند؛ سناریویی که تقریبا غیرممکن به نظر می‌رسد.
کلسی داوینپورت، کارشناس منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای هم در تحلیل خود باور دارد که اروپایی‌ها از روی میل و رغبت به سراغ ماشه نرفتند، بلکه این اقدام ناشی از فشار انباشته و عدم شفافیت تهران بود. او مدعی شده است که ایران با کاهش دسترسی آژانس، افزایش سطح غنی‌سازی تا ۶۰ درصد و ذخیره‌سازی اورانیوم غنی‌شده، عملا پایه‌های برجام را سست کرد و باعث شد اروپا برای حفظ اعتبار خود دست به چنین اقدامی بزند. با این حال، مدیر سیاست منع اشاعه در انجمن کنترل تسلیحات هشدار می‌دهد که تکیه صرف بر فشار، بدون ارائه راه‌حل سیاسی، یک قمار خطرناک است. چون «مکانیسم ماشه شاید ابزار بازدارنده باشد، اما اگر هم‌زمان با پیشنهاد دیپلماتیک همراه نشود، ایران را به سمت واکنش‌های بازگشت‌ناپذیر سوق می‌دهد».

یکی از همین واکنش‌ها، احتمال خروج ایران از پیمان NPT است. این گزینه بارها به‌طور تلوییحی از سوی مقامات ایرانی مطرح شده و در صورت بازگشت تحریم‌های سازمان ملل، ممکن است به سیاست رسمی تبدیل شود. خروج از NPT یعنی حذف آخرین چارچوب حقوقی بین‌المللی برای نظارت بر فعالیت‌های هسته‌ای ایران. در چنین شرایطی، جامعه جهانی نه ابزار حقوقی خواهد داشت و نه سازوکار نظارتی مؤثر؛ تنها گزینه باقی‌مانده، فشارهای شدیدتر و حتی مداخله نظامی خواهد بود.

در سوی مقابل، اروپا تلاش می‌کند این ۳۰ روز را به‌عنوان یک «بازه طلایی» برای فشار دیپلماتیک و هم‌زمان پیشنهاد توافق موقت استفاده کند. اروپایی‌ها می‌دانند که اگر ماشه تا انتها اجرا شود، شانس هرگونه مذاکره بعدی تقریبا از بین خواهد رفت. ازاین‌رو داوینپورت پیشنهاد می‌کند که سه کشور اروپایی به‌طور هم‌زمان با آمریکا بسته‌ای موقت روی میز بگذارند: توقف اجرای ماشه در برابر بازگشت کامل ایران به همکاری با آژانس و محدودکردن سطح غنی‌سازی. اما آیا چنین سناریویی عملی است؟ در واشنگتن، بخش قابل توجهی از کنگره بر اجرای کامل فشارها اصرار دارند و هرگونه امتیاز به ایران را «ضعف» تلقی می‌کنند. در تهران نیز جریان‌های سیاسی قدرتمندی وجود دارند که معتقدند اروپا عملا به‌جای میانجی، به‌عنوان بازوی آمریکا عمل می‌کند و بنابراین اعتماد به این بسته‌ها بی‌معناست. نتیجه آنکه، مکانیسم ماشه بیش از آنکه یک مسیر روشن باشد، به یک میدان بازی پرخطر تبدیل شده که هر لحظه می‌تواند به انفجار دیپلماسی منجر شود.

در تحلیل نهایی می‌توان گفت که مکانیسم ماشه، نه فقط یک سازوکار حقوقی، بلکه یک شمارش معکوس سیاسی است. اگر طی این ۳۰ روز بسته‌ای موقت و اعتمادساز طراحی نشود، نه‌تنها برجام به تاریخ خواهد پیوست، بلکه خطرات امنیتی منطقه‌ای نیز چند برابر خواهد شد. اروپا امیدوار است از این ابزار به‌عنوان اهرم فشار برای بازگرداندن ایران به میز مذاکره استفاده کند، اما همان‌طور‌که داوینپورت تأکید می‌کند، «فشار بدون دیپلماسی مثل فشار بر فزنی است که دیر یا زود با قدرت بیشتری باز خواهد گشت».

توافق موقت؛ پلی باریک میان تهران و غرب

در شرایطی که مکانیسم ماشه مانند تیغی بالای سر دیپلماسی قرار گرفته، بسیاری از تحلیل‌گران تنها راه جلوگیری از فروپاشی کامل برجام را دستیابی به یک «توافق موقت» می‌دانند، توافقی که اگرچه به معنای حل‌وفصل نهایی پرونده هسته‌ای ایران نیست، اما می‌تواند به‌عنوان پل باریکی برای عبور از بحران ۳۰روزه عمل کند. ایده توافق موقت نخستین‌بار در محافل آمریکایی و اروپایی مطرح شد و سپس به بحث اصلی اندیشکده‌ها و رسانه‌های تخصصی بدل شد. فلسفه آن ساده است؛ به این معنا که وقتی امکان دستیابی به توافق جامع در کوتاه‌مدت وجود ندارد، باید یک چارچوب حداقلی طراحی شود که ضمن رفع نگرانی‌های فوری غرب، امتیاز قابل دفاعی هم برای ایران داشته باشد. رابرت آینه‌پور در این زمینه تأکید می‌کند که توافق موقت باید واقع‌بینانه و اجرایی باشد؛ به عبارت دیگر، نباید توقع داشت ایران در برابر یک بسته نماند، همه اهداف‌های حساس خود را متوقف کند. او پیشنهاد می‌دهد که تمرکز اصلی بر «کاهش هسته‌ای غنی‌سازی و ذخایر اورانیوم» باشد. به طور مشخص، ایران می‌تواند غنی‌سازی ۶۰ درصدی را متوقف و سطح را به زیر پنج درصد بازگرداند. همچنین ذخایر اورانیوم مازاد به خارج منتقل یا در داخل به میله‌های سوخت تبدیل شود. در ازای آن، اروپا و آمریکا می‌توانند بخشی از درآمدهای بلوکه‌شده ایران را آزاد کرده و محدودیت‌های نفتی و بانکی را به طور موقت کاهش دهند.

از دید مذاکره‌کننده ارشد دوران اوپاوا، مزیت کلیدی توافق موقت در «بازسازی اعتماد» است. او توضیح می‌دهد که پس از سال‌ها بدعهدی، هر دو طرف دچار بی‌اعتمادی عمیق شده‌اند و هیچ‌یک حاضر نیست در گام نخست، امتیاز بزرگ بدهد. توافق موقت نوعی «عامله کوچک اما ملموس» باشد که نشان دهد مسیر مصالحه هنوز باز است. به‌ویژه آنکه ایران همواره تأکید کرده خواهان لغو تحریم‌هاست و نه صرفا وعده‌های سیاسی؛ بنابراین گره‌زدن کاهش فوری فشار اقتصادی به اقدامات شفاف هسته‌ای، می‌تواند توافی لازم را ایجاد کند.

با این حال، چالش‌های بزرگی بر سر راه چنین طرحی وجود دارد؛ نخست، مخالفت جریان‌های تندرو در هر دو طرف. در ایران، گروهی توافق موقت را «تله» می‌دانند و معتقدند غرب با این روش تنها زمان می‌خرد تا فشارهای سیاسی و امنیتی بیشتری علیه تهران سامان دهد. در آمریکا نیز، بخشی از کنگره چنین توافقی را «امتیازدهی رایگان» قلمداد می‌کند. همین مخالفت‌های داخلی می‌تواند مانع اجرای هرگونه فرمول موقت شود. چالش دوم، تعیین دامنه تعهدات است. اگر ایران صرفا به کاهش سطح غنی‌سازی بسنده کند، آیا این برای اروپا کافی خواهد بود؟ یا اینکه غرب خواهان تعطیلی کامل فردو و توقف سانتریفیوژهای پیشرفته هم خواهد شد؟ تجربه گذشته نشان داده که اختلاف بر سر جزئیات فنی می‌تواند هر توافقی را به شکست بکشاند.

🇮🇷	
ادبیات صفحه اول	
۳	

خبر

پزشکیان در دیدار با آرم‌ن گریگوریان دبیر شورای امنیت ارمنستان در ایران نگرانی‌های ایران تا حد زیادی برطرف شده است

آرم‌ن گریگوریان، دبیر شورای امنیت ارمنستان، با سفر به ایران در دیدار با مقامات ایرانی ازجمله رئیس‌جمهور فصل تازه‌ای از روابط دو‌کشور را رقم زد. البته سفر اخیر مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور، به ایروان و دیدارهای پی‌درپی او با مقامات ارمنستان، گام تازه‌ای در مسیر تثبیت روابط تهران و ایروان بود؛ روابطی که نه‌تنها ابعاد اقتصادی، بلکه شاخص‌های امنیتی و ژئوپلیتیک منطقه را نیز در بر می‌گیرد. در شرایطی که قفقاز جنوبی به یکی از کانون‌های پرتنش سیاست خارجی ایران بدل شده، پیام‌های سیاسی این سفر فراتر از سطح رایج همکاری‌های دوجانبه تفسیر می‌شود.

اطمینان بخشی ارمنستان به تهران

پزشکیان در دیدار با آرم‌ن گریگوریان، دبیر شورای امنیت ارمنستان، تأکید کرد که نگرانی‌های ایران نسبت به تحولات اخیر قفقاز- به‌ویژه موضوع حضور نیروهای بیگانه- در پرتو توضیحات مقامات ارمنستان «تا حد زیادی برطرف شده است». این گزاره در واقع بازتاب یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های تهران در سال‌های اخیر است؛ جلوگیری از نفوذ بازیگران فرامنطقه‌ای در همسایگی شمالی ایران. پزشکیان هشدار داد که باید مسیر روابط ایران و ارمنستان به‌گونه‌ای طراحی شود که هیچ قدرت خارجی نتواند در این روابط خلیی ایجاد کند. وی هم‌زمان، کریدور شمال-جنوب را یکی از محورهای اساسی همکاری دو کشور دانست و تکمیل آن را نه‌فقط اقتصادی، بلکه دارای ابعاد سیاسی و امنیتی ارزیابی کرد. رئیس‌جمهور ایران تأکید کرد که تسریع در عملیاتی‌سازی توافقات به‌ویژه در حوزه حمل‌ونقل، از نتایج ملموس سفر او به ایروان بوده است.

از سند راهبردی تا تضمین امنیتی

گریگوریان، دبیر شورای امنیت ارمنستان، در این دیدار روابط با ایران را «بی‌سابقه» توصیف کرد و از آمادگی ایروان برای اعضای سند جامع همکاری‌های راهبردی خبر داد. او تأکید کرد که اصول بنیادین سیاست خارجی کشورش شامل احترام به تمامیت ارضی، تغییر‌ناپذیری مرزها و اصل عمل متقابل- ضامن روابط پایدار با تهران خواهد بود. گریگوریان همچنین تصریح کرد که ارمنستان با هرگونه تغییر ژئوپلیتیک منطقه مخالف است؛ موضعی که عملا همسو با دغدغه‌های ایران ارزیابی می‌شود.

هم‌گرایی منطقه‌ای در سایه صلح

«علی لاریجانی» نیز در دیدار با همتای ارمنی خود بر نقش ایران در تکمیل کریدور شمال-جنوب و اتصال خلیج فارس به دریای سیاه تأکید کرد. او بار دیگر سیاست اصولی ایران را یادآور شد: حمایت از استقلال کشورهای منطقه و مخالفت با حضور قدرت‌های خارجی. لاریجانی همچنین به گفتمان صلح میان ارمنستان و آذربایجان اشاره نمود و موضوع ایران را تبیین کرد: تهران تنها صلی‌ای را می‌پذیرد که بر پایه استقلال و توانمندی دولت‌های منطقه شکل گرفته باشد.

بعد امنیتی و نظامی روابط

آرم‌ن گریگوریان در ادامه سفر خود، دیداری هم با امیر سرلشکر سیدعبدالرحیم موسوی، رئیس ستادکل نیروهای مسلح ایران، داشت. در این دیدار بر مشترکات تاریخی و فرهنگی دو کشور و ضرورت تحکیم همکاری‌های امنیتی تأکید شد. سرلشکر موسوی ضمن هشدار نسبت به نقش منفی آمریکا در منطقه، گفت توافق صلح ارمنستان با آذربایجان می‌تواند به صلحی پایدار در قفقاز جنوبی منجر شود؛ اما شرط آن پرهیز از مداخله قدرت‌های فرامنطقه‌ای است. گریگوریان نیز با اشاره به «طرح چهارراه صلح» ارمنستان تضمین داد که حاکمیت ملی کشورش بر گذرگاه سیونیک حفظ خواهد شد و هیچ توافقی نمی‌تواند به زیان روابط با ایران تمام شود. مرور مختصر همکاری‌های نظامی میان دو کشور نیز بخش دیگری از این گفت‌وگو بود.